

فصل دوم:

دوم خرداد و آثار آن

□ سردرگمی و بحران استراتژیک اپوزیسیون^۱

اپوزیسیون نه از سطح شعور و مبارزه مردم باخبر است و نه شرایط را درک کرده است. از جمله خودنگارنده. برای نمونه، اکثر سازمان‌های اپوزیسیون نه تنها انتخابات را تحریم کردند بلکه از مردم نیز خواستند تا در انتخابات شرکت نکنند. اما مردم هیچ اعتنایی به این گونه فراخوان‌ها نکردند. حالا باید دید کدام یک از جریان‌های که فراخوان تحریم داده بودند، تا به این حد نرمش و واقع‌بینی سیاسی دارند که در ارزیابی‌های پیشین خود تجدیدنظر کنند و تحلیل کم و بیش درستی از آنچه رخ داده ارائه کنند.^۲

انتخابات دوم خرداد بسیاری را متحیر کرد. اپوزیسیون خارج از کشور، که فلسفه وجودی خود را از ادعای غیردمکراتیک بودن جمهوری اسلامی استنتاج می‌کند، در دوم خرداد ظرفیت‌هایی را برای مردم‌سالاری در ایران مشاهده کرد که در مخیله‌اش نمی‌گنجید. از این رو ناچار شد در قبال شرایط جدید، تعیین وضعیت کند و تفاسیر جدیدی برای علت مخالفت خود با نظام جمهوری اسلامی ارائه دهد.

۱. کلمه Opposition متخذ از زبان فرانسه و به معنی «مخالفت» و «مخالفتان» است. در معنای مصطلح علوم سیاسی، اپوزیسیون صرفاً به جریانی گفته می‌شود که در چارچوب قانون و غالباً در فعالیت‌های پارلمانی یا در فعل و انفعالات انتخاباتی حضور دارد. (برای آگاهی بیشتر درباره مفهوم آکادمیک و اخص اپوزیسیون ← آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی: صص ۸-۹).

۲. حجازیان، جمهوری‌ت؛...: صص ۴۴۸ - ۴۴۹؛ به نقل از «علی کشتگر» (علی محمد فرخنده جهرمی)، یکی از رهبران اسبق سازمان چریک‌های فدایی خلق.

اجزای این اپوزیسیون - که طیف متنوعی را از نیروهای سلطنت‌طلب، جمهوری‌خواه، مارکسیست، سوسیال‌دموکرات، مشروطه‌خواه و نمونه خاص مجاهدین خلق تشکیل می‌دهد - هر یک به تناسب شرایط و وضعیت سیاسی خود، در قبال هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، موضعی گرفتند. عموم جریان‌های مخالف نظام (به جز چند جریان کوچک سیاسی که مشارکت در انتخابات را - آن هم اغلب در جهت دادن رأی سفید و اعتراضی - به هواداران خود توصیه کردند) سیاست تحریم انتخابات را در پیش گرفتند و با این ادعا که نظام در کلیتش نامشروع است و یا مکانیسم انتخابات غیرمنصفانه است، همگان را به عدم شرکت فراخواندند. اما ... هنگامی که با استقبال عظیم حدود سی میلیون نفر از ایرانیان مواجه شدند که رکورد مشارکت را - حتی در میان پیشرفته‌ترین دموکراسی‌های جهان - شکست و به فراخوان تحریم نیز وقعی ننهاد، در میان بهت و ناباوری، ناچار شدند به تحلیل این رخداد بنشینند و - اغلب - در مواضع خود تجدیدنظر اساسی کنند.

در این میان، سازمان - که هرگونه «استحاله‌طلبی»، مذاکره‌جویی و دل بستن به انتخاباتی آزاد را منتفی می‌دانست و با نیروهایی که از شکست «مرصاد» باقی مانده بودند، امیدوار بود که «در جوار خاک میهن» و به اتکای حمایت دولت و ارتش عراق و کمک‌های مالی پراکنده، نظام جمهوری اسلامی را ساقط کند و به عنوان «تنها آلترناتیو دموکراتیک» بر مسند قدرت بنشینند، انتخابات را تحریم کرد و در مواجهه با پدیده دوم خرداد ادعا نمود که مردم به فراخوان سازمان پاسخ مثبت داده و جز معدودی، در انتخابات شرکت نکرده‌اند.

«شورای ملی مقاومت» - پوشش سیاسی سازمان - نیز ادعا نمود که «اطلاعات دقیق گردآوری شده در داخل ایران، از طرف ستادهای مقاومت در ۲۵۰۰ حوزه رأی‌گیری و در بیش از یکصد شهر، مبین آن است که حداکثر ۵، ۶ میلیون نفر به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند!»^۱

□ دستپاچگی و بحران

شوک وارد شده بر سازمان و شورای رجوی پس از اعلام نتایج هفتمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، موجب شد تا مواضع رسمی و عریان شورای ملی مقاومت - قبل و بعد از اعلام آرا -

۱. شورای ملی مقاومت، اطلاعیه ۳ خرداد ۱۳۷۶.

سرشار از تناقضات فاحش و گزاره‌های ناهمخوان باشد. در این قسمت، این مواضع مرور می‌شود.

○ پیش از اعلام آرای انتخابات هفتم

شورای مزبور در اول اردیبهشت ۱۳۷۶، تحت عنوان «مسئول شورای ملی مقاومت تحریم نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم را اعلام کرد»، مواضع و نظرات رسمی خود را در نشریه ایران زمین انتشار داد که اهم مطالب آن به قرار زیر است:

حکومت ... از انتخابات آزاد ریاست جمهوری دم می‌زند، غافل از اینکه به صحنه آوردن بازیگرانی مانند وزیر پیشین ارشاد - که سال‌ها در رأس دستگاه دروغ‌پردازی و سانسور رژیم قرار داشته است... با مطرح کردن پاسداران سیاسی رژیم از قبیل ابراهیم یزدی، پیمان و عزت سبحانی و مأمورین جیره‌خوار وزارت اطلاعات در داخل و خارج کشور، هرگز نمی‌تواند به انتخابات رونق و اعتبار بدهد.

... بدیهی است مردم ایران این بار هم نمایش انتخابات ریاست جمهوری حکومت آخوندی را به طور کامل تحریم می‌کنند و به این مناسبت باز هم برای تمام دنیا تأکید و تکرار می‌کنیم که راه‌حل همانا تنها جایگزین مردمی و دموکراتیک، یعنی شورای ملی مقاومت ایران و کلید پیروزی همانا ارتش آزادی‌بخش ملی است... تحریم نمایش انتخاباتی رژیم ... یک وظیفه ملی و میهنی است. مرعوب صحنه‌سازی‌ها و تهدیدهای رژیم ... نشوید. آخوندها و پاسداران سیاسی و نظامی‌شان در برابر عکس‌العمل عمومی ناتوان و زبون‌اند. به افشای توطئه‌های دشمن برخیزید. پیام مقاومت برای تحریم خیمه شب‌بازی انتخاباتی را در سراسر کشور به آگاهی عموم برسانید.^۱

پس از اعلام تأیید صلاحیت آقایان محمدی‌ری‌شهری، خاتمی، ناطق‌نوری و زواره‌ای (کاندیداهای

هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری)، توسط شورای نگهبان، رجوی چنین اظهار داشت:

این تصمیم شورای نگهبان بار دیگر همه کسانی را که به تغییراتی در درون رژیم چشم دوخته بودند، کور نمود و ثابت کرد [که] هرگونه دل‌بستن به تغییرات، سرابی بیش نیست؛ و تنها راه‌حل، سرنگونی رژیم توسط ارتش آزادی‌بخش ملی و جایگزینی رئیس‌جمهور مریم رجوی است. شورا در گذشته نیز با آمدن مریم رجوی در کنار مرزهای جمهوری اسلامی اعلام داشته بود که بر اساس نظر سنجی‌های مشخص در داخل کشور، رئیس‌جمهور مقاومت اکثریت مطلق

۱. نشریه ایران زمین، ش ۱۳۶، ۷۶/۲/۱، صص ۳ و ۱۰.

آرا را [به دست] خواهد آورد.^۱

○ پس از اعلام آرای انتخابات

به دنبال اعلام مجموعه آرای شرکت کنندگان، به رغم تأیید همراه با ابراز شگفتی همه جریان‌های اپوزیسیون، اظهارنظرها و اعلام مواضع شورا و سازمان، مصداق کامل «مخالف خون» بود؛ چرا که در نخستین واکنش‌ها، ابتدا چنین نوشتند:

در خاتمه نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم آخوندی، حقایق مسلم و بسیار مهمی درباره وخامت اوضاع رژیم ... و بر هم خوردن تعادل درونی آن برملا می‌شود که مبین تغییر دوران و فرارسیدن مرحله تعیین سرنوشت و عبور حاکمیت از یک نقطه عطف سیاسی است.^۲

□ ادامه بحران؛ گسست‌های جدید

○ خروج متین دفتری از شورا

مبارزه مسلحانه یک گروه معدود، در جامعه ایران که مردم و جوانان مسائل‌شان را به روشنی بیان می‌کنند، جایی ندارد. مردم از خونریزی و ترور خسته شده‌اند. راه مجاهدین خلق عملاً به نوعی تروریسم کور ختم شده است. بمبی را که پس از انتخابات در دادسرای انقلاب منفجر کردند به کشته شدن سه نفر بی‌گناه و یک کودک منجر شد. این حرکات نه مبارزه است و نه مبارزه مسلحانه؛ بلکه تروریسم عربان است. به این جهت است که کسی مثل متین دفتری دیگر نمی‌تواند در چارچوب چنین نهادی کار کند. مجاهدین با نقض حقوق بشر در چارچوب سازمان‌شان و زندان و آزار افراد جدا شده از سازمان، روی شخصیت متین دفتری سایه انداخته بودند. این چارچوب تنگ برای افراد قابل ادامه نیست.

رویداد دوم خرداد صحنه را آشکار و روشن ساخته است. مجاهدین خلق در گفت و گوی سیاسی درون ایران شرکت ندارند. سازمانی که در خاک عراق و بدون حضور و رأی مردم، رئیس جمهور انتخاب کند، بزرگترین توهین را به اراده ملت کرده است. مردم نشان داده‌اند که حاضرند. می‌بینیم که ابعاد تحولات اخیر از تمام حرکات‌های سیاسی صدساله اخیر وسیع‌تر و گسترده‌تر بوده است.

۱. رجوی، تحلیل وضعیت رژیم... ص ۱۰.

۲. شورای ملی مقاومت، متن اطلاعیه سوم خرداد (جزوه - رقعی).

خروج متین دفتری هم با چاپ مقاله‌ای در نشریه آزادی شروع شد. او در این مقاله نوشته بود: «آن کس که با ما نیست، الزاماً دشمن ما هم نیست.» این به تعبیری، نوعی دگراندیشی است؛ در حالی که رجوی عقیده دارد: «هر کس با ما نیست، دشمن ماست!»^۱

دوم خرداد ۱۳۷۶ بخش‌های وسیعی از اپوزیسیون خارج از کشور را منفعل کرد و به واکنشی تأمل‌برانگیز واداشت. در این میان، عده‌ای از وابستگان نهاد پوششی سازمان - یعنی «شورای ملی مقاومت» - نیز واکنشی قابل پیش‌بینی نشان دادند. هدایت‌الله متین دفتری، یکی از وفادارترین یاران شورای مزبور و رجوی، از جمله افرادی بود که عکس‌العمل دیرهنگام وی بالاخره به جدایی و تعبیر درست‌تر «اخراج» از شورا منجر شد.

جدایی متین دفتری از شورای مقاومت، حتی به زعم همفکران سابقش نیز بسیار دیر اتفاق افتاد. هر چند برخی از منفردان و یا وابستگان به جریان‌های اپوزیسیون خارج از کشور، به هر حال، از این امر استقبال کردند، لیکن برای عده‌ای دیگر این پرسش مطرح شد که چرا او نیز در کنار افرادی چون بهمن نیرومند، ناصر پاکدامن، مهدی خانابا تهرانی، حسن ماسالی، عبدالکریم لاهیجی، عبدالرحمن قاسملو و ابوالحسن بنی‌صدر «شانه از زیر بار رهبری رجوی خالی نکرد و اقامت خود را در دستگاه رجوی آن‌چنان به درازا کشاند که سرانجام رجوی با سیاست فرار به جلو، بر او سبقت گرفت و حکم اخراج او را صادر کرد»؟^۲

متین دفتری، در جریان انتشار مجدد نشریه آزادی - که به نوشته خودش، انتشار آن هشت سال در محاق تأخیر بوده است - در نخستین شماره، زیر عنوان «چند کلامی به عنوان سرسخن» و با امضای «جبهه دموکراتیک ملی ایران - هدایت متین دفتری»، در ضمن استناد به بند نهم قطعنامه مهرماه ۱۳۷۶ شورای ملی مقاومت با تأکید بر ضرورت دموکراسی و «ساختن زمینه برای قبول و رعایت پلورالیسم در جامعه از «اعتلای فرهنگ و آرمان‌های دموکراتیک» سخن راند و با صراحت اعتراف کرد که شورا در جهت «فعال کردن عنصر اجتماعی» ناکام بوده و «این نیرو» نه «به سویی که باید و شاید» هدایت شده و «نه رهبری اجتماعی خود را یافته است». در همان جا متین دفتری با تعریضی به ماده هفتم قطعنامه مذکور، در کارآیی ارتش آزادی‌بخش تردید و سپس و تأکید می‌کند که این - به اصطلاح - ارتش، «بدون

۱. چهره‌ها و گفته‌ها، گفتگوی حسین مهری با مهدی خانابا تهرانی: صص ۱۲۷ - ۱۲۸.

۲. نشریه پیوند، (ویژه‌نامه)، سال دوم، ش ۳، شهریورماه ۱۳۷۷: ص ۱۳.

پشتیبانی کافی و وافی عنصر اجتماعی، با شرایط مشکل‌تری رو به رو خواهد شد.^۱ طرح چنین مسائلی، مقدمه مطالب دیگری بود که گره اتصال متین دفتری و شورا را باز کرد. متین دفتری، در شماره بعدی نشریه آزادی و این بار تنها با امضای «هدایت متین دفتری، پاریس - ۲۱ ژوئن ۱۹۹۸» که می‌شد آن را به مثابه پذیرش پیامدها و تبعات چنان نوشته‌ای تلقی کرد، به چون و چرای بیشتر پرداخت. وی در «سرسخن» شماره ۱۳ نشریه خویش با نوعی انتقاد از خود، حقایقی را آشکار کرد که طی یک سال (و نیز تاکنون) تلاش زیادی شده بود تا مکتوم بماند. متین دفتری، از همان نخست، با نقل فرازی از بند سوم همان قطعنامه درباره انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب دوم خرداد که در آن آمده است:

... به رقم سازی شیادانه‌ای دست زدند و مدعی شرکت ۲۹ میلیون نفر رأی دهنده در این انتخابات شدند. حقیقت این است که با وجود بالا گرفتن تضاد آشکار بین دو جناح و تلاش بی‌سابقه هر کدام برای کشاندن مردم به پای صندوق‌ها به نفع خود، تنها کمتر از بیست درصد از صاحبان حق رأی در این انتخابات شرکت کردند...^۲

به سوی نفی آن موضع گرفت و نوشت:

نارسایی و عدم انطباق این بند با ارقام واقعی آرای [انتخابات و نقش مردم پس از وقوف بیشتر به شرایط و اطلاعات جدید، انتقادی را بر ما ایجاد می‌کرد که آن را در نامه‌ی شاهدهی عینی و تحلیل‌گری خبره که از ایران رسید، دیدیم و نکوهش‌هایش را پذیرفتیم.^۳

متین دفتری سپس با نقل دو صفحه‌ای نامه‌ی آن «شاهد عینی» و «تحلیل‌گر خبره»، که از قبل عنوان کرده که آن را پذیرفته است، موضعی جدید در قبال مسائل داخلی ایران اتخاذ کرد. در نامه مزبور می‌خوانیم که:

... در روزهای آخر قبل از رأی‌گیری، جوانانی که در رژیم گذشته نبودند و یا کودکانی خردسال بودند، پدر و مادرها و بزرگترها را تشویق و وادار کردند که پای صندوق‌ها بروند و به خاتمی رأی بدهند. نتیجه آن شد که لابد شنیده‌اید. ... موضع‌گیری شما [= شورای ملی مقاومت] در مورد صحنه‌سازی رژیم و تعداد اندک شرکت‌کنندگان، خلاف واقع بود... وجود خاتمی را مردم غنیمت می‌شمارند و این وضع را امکانی می‌دانند که می‌توانند در آن شرکت کنند. ... روزنامه‌ها

۱. نشریه آزادی، دوره دوم، ش ۱۲، پاییز - زمستان ۱۳۷۶: صص ۴-۶.

۲. همان، ش ۱۳، بهار ۱۳۷۷: صص ۳-۴.

۳. همان: ص ۴.

و مجلات، تا اندازه‌ای، از یکنواختی بیرون آمده‌اند و مردم با وجود قیمت‌های گران و درآمدهای کم می‌خرند و می‌خوانند. مردم تشنه اطلاعات و آگاهی هستند و از شعارها و گفته‌های یکطرفه (مونولوگ) و خود بزرگ‌بینی‌گویندگان خسته و متنفرند.^۱

در آخرین بندهای مقاله، متین دفتری از ارزش‌ها و مقولاتی سخن می‌گوید که نزدیک به ۱۸ سال با حمایت خود از مجاهدین خلق، آنها را نفی کرده بود:

... تحمل یکدیگر توأم با اتحاد نیروهای اجتماعی، در غیاب انحصارطلبی سیاسی و قبول این اصل که هر کس بر ما نیست با آنکه عقیده و روشی دیگر را دنبال می‌کند - با ماست، عنصر اجتماعی را فعال‌تر کرده و مانع بروز انفعال می‌شود. ...

امروز دیگر برخلاف تجربیات یکصدساله اخیر، داده‌های اجتماعی ... نشان می‌دهد که آزادی ضرورتی ملموس شده ... و می‌تواند توأم با رشد مطبوعات، ارتباط‌های فردی و گروهی و رسانه‌ای، نسل امروز را ... واکسینه کند.^۲

آنچه در مجموع از مقاله متین دفتری مستفاد می‌شد، این بود که وی واقعیت حضور مردم در انتخابات و رأی ۲۰ میلیونی آقای خاتمی را پذیرفته است و این پذیرش، به معنی قبول شکست استراتژی و بی‌بنیاد بودن تحلیل‌های مجاهدین خلق - به خصوص شخص رجوی - و عدم مقبولیت آنان در میان مردم است.

اولین واکنش سازمان به مقاله مزبور در نشریه مجاهد شماره ۳۹۷ انعکاس یافت. در گوشه پایین صفحه ۲ و با عنوان «اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت»، در این نشریه از قول دبیر ارشد شورای ملی مقاومت، متین دفتری و جریان منتسب به وی تهدید به اخراج شده بودند:

تاکنون بسیاری از اعضای شورا این وضع را نقض مرزبندی‌های سیاسی با رژیم، و نقض الزامات شورایی دانسته‌اند. همچنین اعتراض‌های کتبی خطاب به مسئول شورا به دبیرخانه واصل شده که در آنها رسیدگی به موارد نقض التزام و اخراج از شورا درخواست شده است.^۳

متین دفتری در واکنش به اخطار فوق، به تاریخ ۲۴ تیر ۱۵/۱۳۷۷ ژوئیه ۱۹۹۸ اطلاعیه‌ای صادر و منتشر کرد که اهم مطالب آن چنین بود:

۱. همان: صص ۴ و ۵.

۲. همان: ص ۸.

۳. نشریه مجاهد، ش ۳۹۷، ۲۲ تیر ۱۳۷۷: ص ۲.

جبهه دموکراتیک ملی ایران، با ابراز تأسف از صدور اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران به تاریخ ۱۹ تیرماه و مندرج در نشریه مجاهد ۳۹۷ (۲۲ تیرماه ۱۳۷۷) کلیه تعبیر و تفاسیر مندرج در آن را قویاً مردود شناخته و صدور چنین اطلاعیه‌ای را با چنین روشی برخلاف آیین‌نامه شورا می‌دانند...^۱

به دنبال این اطلاعیه، در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۷۷، یعنی سه روز پس از اطلاعیه متین دفتری، جلسه میان دوره‌های شورا را برگزار کردند و نتیجه آن را زیر عنوان «اطلاعیه شورای ملی مقاومت» (که مدعی شده بودند به عنوان مصوبه شورا به اتفاق آرا^۲ تصویب شده است) در اولین شماره در دست انتشار مجاهد به چاپ رساندند. اطلاعیه مزبور در صفحه «گزارش» - همراه با نقل قول‌های ناقصی از رادیوها و نشریات در واکنش به حرکت متین دفتری و نامه‌ای مفصل از محمدرضا روحانی، عضو اسبق جبهه دموکراتیک، خطاب به هزارخانی - چاپ شد.

مقدمه مفصل چهاربندی اطلاعیه شورا حول تأیید و تأکید مواضع قبلی، در مورد دوم خرداد و لزوم التزام اعضا به مفاد آن، دور می‌زد؛ آنگاه به اصل موضوع پرداخته و طی دو بند احکام محکومیت و اخراج متین دفتری - به عبارتی، جبهه دموکراتیک ملی - صادر شده است:

بر اساس موارد یاد شده در بالا و عطف به اطلاعیه ۱۹ تیرماه دبیرخانه شورا، پس از بحث و بررسی‌های لازم:

۱- مواضع سیاسی اخیر آقای هدایت متین دفتری نماینده جبهه دموکراتیک ملی ایران را زیر پا گذاشتن التزام‌های شورایی و نقض آشکار و شک برانگیز التزام‌های مربوط به بندهای ۳ و ۵ و ۶ و ۸ قطعنامه مهر ۱۳۷۶ می‌شناسد و آن را به شدت محکوم می‌کند.

۲- بر اساس ماده ۹ آیین‌نامه داخلی که نقض مرزبندی سیاسی با رژیم ... و عدم رعایت تصمیمات شورا و فعالیت مستمر علیه مبانی وحدت و انسجام شورا [را] موجب اخراج می‌داند، اخراج جبهه دموکراتیک ملی از سوی شورای ملی مقاومت را اعلام می‌کند.^۳

آنچه ماهیت و ساز و کار سرکوب مخالف توسط سازمان را در این اطلاعیه روشن می‌کند، استفاده از حرفه تهمت و تصریح به «ارتباطات آلوده و وجود دست‌های پشت پرده» در بند ۳ آن است:

۱. نشریه پیوند (ویژه‌نامه)، سال دوم، ش ۳، شهریورماه ۱۳۷۷: ص ۵.

۲. همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد، اکثر اعضای شورا همان عضوها و کادرهای سازمان‌اند که نام بعضی از آنها، به عنوان نیروهای منفرد و مستقل، در فهرست شورا آمده و می‌آید.

۳. نشریه مجاهد، ش ۳۹۸، ۲۹ تیر ۱۳۷۷: ص ۳.

۳- یادآور می‌شود که خوشامدگویی‌های محافل و ارگان‌های ارتجاعی و استعماری، به ویژه نقل قول روزنامه نیمروز نشریه وابسته به وزارت اطلاعات رژیم ... در خارج کشور از مکالمه تلفنی مسئول شورا با آقای متین دفتری راحاکی از ارتباطات آلوده وجود دست‌های پشت پرده می‌داند.^۱

این بار متین دفتری با تفصیلی بیشتر، در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۷۷ اطلاعیه جوایبه‌ای صادر و منتشر نمود که در آن، با تأکید بر مواضع ضدجمهوری اسلامی «جبهه دموکراتیک ملی ایران» و تصریح به اهداف مشترک نیروها و عناصر ضدانقلاب اسلامی، آورده بود:

۴- انتخاب بهترین ابزار برای دستیابی به این اهداف، همان‌گونه که در بیانیه اخیر این جبهه به مناسبت ۳۰ تیر آمده^۲ منتج از تحلیل مشخص از شرایط مشخص، به دور از فرقه‌گرایی، دگم‌های ایدئولوژیک و تصفیه حساب‌های سیاسی است. از این رو هرگونه انحصارطلبی را مردود می‌شماریم.

۵- تا زمانی که در عملکرد مستمر با هر فرد و یا جریان، این اصول ظاهر نگردد و به محک آزمایش گذاشته نشود، تنها در قالب شعارهای دلفریب و عامه‌پسند باقی می‌ماند! و عدم رعایت آن به پایانی غم‌انگیز منجر می‌شود؛ که ملت ما متأسفانه بارها و به بهایی گزاف آن را تجربه کرده است. ...

۶- در جلسه میان دوره‌ای شورای ملی مقاومت شرکت نکردیم؛ زیرا به هیچ روی حاضر نیستیم که مسائل نظری تحت هر عنوان و بهانه‌هایی از جمله «نقض التزام» میزبانی شده؛ چرا که به آزادی اندیشه، بیان و انتقاد عمیقاً باور داریم! و بیان و باور هیچ فرد یا جریانی را موضوع محاکمه نمی‌دانیم.

۷- جدایی تأسف‌انگیز است؛ اما اگر قیمت ادامه وحدت، چشم‌پوشی از اصول و اهداف پایه‌ای باشد، نبود آن وحدت بهتر از بودنش است.

۸- جای تأسف است که هم پیمانان دیروز ما، در شورای ملی مقاومت ایران، در آزمایش انتقادپذیری، بردباری سیاسی و تحمل‌گرایی ناموفق بوده‌اند و خط بطلانی بر محوری‌ترین پایه دموکراسی، یعنی آزادی بیان کشیده‌اند.

۹- جبهه هرگونه شایعه پراکنی و نیز برچسب زنی، افترا و هتک حرمت - از قبیل موارد مذکور در بند

۱. همان.

۲. ارجاع به بیانیه‌ای در سابق، نوعی تأکید به این امر است که مواضع اخیر متین دفتری به طور خلق‌الساعه پدیدار نشده، بلکه مسبوق به سابقه است.

۳ اطلاعیه شورا - را قویاً محکوم می‌کند و اصرار می‌ورزد که هر کس، اعم از شورای ملی مقاومت و یا هر شخص دیگر - حقیقی یا حقوقی - که از «ارتباطات آلوده» و «وجود دست‌های پشت پرده»ی مذکور در بند فوق سند و مدرکی در دست دارد، مدارک خود را فوراً برای قضاوت ملت ایران منتشر کند.^۱

در تبیین این واقعیت که چرا متین دفتری دیرتر از دیگران از شورا بیرون آمد، بسیار گفته‌اند ولی اغلب این گفته‌ها به یک علامت تعجب و تکرار «چراها» می‌رسد. مسئله این است که - به تعبیر برخی صاحب‌نظران مخالف سازمان - «مسخ شدگان»، «فریب خوردگان»، «فرصت طلبان» و «نوکرصفتان» قادر به تغییر مواضع خویش نیستند؛ چرا که اراده‌ای ندارند. دیگری به جای آنها می‌اندیشد، اختیار می‌کند و تصمیم می‌گیرد. در این فاصله ۱۷ ساله (۷۷ - ۱۳۶۰) آیا متین دفتری «عمیقاً» به «آزادی‌اندیشه، بیان و انتقاد» باور داشته است؟! آیا پیش از حرکت اخیر و جریان اخراج یا خروج، مجاهدین و شخص رجوی هرگز «بر محوری‌ترین پایه دموکراسی یعنی آزادی بیان» خط بطلان نکشیده بودند و در «آزمایش انتقادپذیری، بردباری سیاسی و تحمل‌گرایی» توفیق داشتند؟! به گفته یکی از چهره‌های معروف اپوزیسیون، که از قضا در ضدیت با جمهوری اسلامی نیز کارنامه پر و پیمانی دارد، این که چرا متین دفتری در کنار افرادی چون بنی‌صدر و نیرومند و پاکدامن و خانابا تهرانی و قاسملو و ماسالی، «شانه از زیر بار رهبری رجوی خالی نکرد و اقامت خود را در دستگاه رجوی آن چنان به درازا کشاند که سرانجام رجوی با سیاست فرار به جلو بر او سبقت گرفت و حکم اخراج او را صادر کرد»، سؤالی است که پرسش‌های مقدر دیگری را نیز به همراه می‌آورد:

آیا در آن سال‌ها، متین دفتری شیوه‌های عمل رجوی را در داخل «شورای ملی مقاومت» و سازمان مجاهدین تأیید می‌کرد؟^۲ آیا اصولاً متین دفتری شیوه تفکر و مایه فرهنگی و عقلی و روحی و کردار و عملکرد سیاسی و اجتماعی و اخلاقی رجوی را با مقولات مربوط به آزادی، دموکراسی، تسامح و حرمت و حیثیت شئون انسانی هماهنگ می‌دانست؟ آیا متین دفتری تصور می‌کرد که ذهن و شعور او در قضاوت نسبت به اعمال رجوی در شورا و در سازمان، نسبت به ذهن و شعور کسانی که عضویت در شورا

۱. نشریه پیوند، همان: صص ۶ و ۷.

۲. نظیر ازدواج ایدئولوژیک، تئوری سه طلاق، جدایی کودکان از خانواده‌ها، همکاری تنگاتنگ با عراق، گسیل جوانان عضو سازمان برای درگیری با پاسداران در مرزها و کشتارهای جمعی آنان، تلاش برای ایجاد رابطه با آمریکا، منابع درآمدها و مخارج سازمان، شورا و... .

را همزمان با او پذیرفتند اما پس از مدتی، یکی پس از دیگری، فرار را برقرار ترجیح دادند و از گردن نهادن به مسئولیت و رهبری رجوی سر برتافتند، هشیارتر و عقلانی‌تر و منطقی‌تر است؟ آیا متین دفتری، به عنوان عضو «شورای ملی مقاومت»، از نظر اخلاقی و انسانی و عقلانی، بر این همه سیلاب فحش و ناسزا و تهمت و هتک حرمتی که رجوی و دستگاه تبلیغاتی او علیه منتقدان خود در این سال‌ها سرازیر کرد، صحه می‌گذاشت و رجوی را - چه در رهبری سازمانی و چه در مسئولیت شورا - در تمسک به این گونه شیوه‌های خودکامگی و در تحویل و تبدیل سازمان و شورا به صورت یک فرقه متعصب مذهبی و جدا از مردم محق می‌دانست؟ و...^۱

یکی دیگر از شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون، یکی از ابعاد نقش و شخصیت متین دفتری^۲ در طول حضورش در کنار رجوی را بدین گونه تبیین می‌کند:

... یکی از موارد غم‌انگیز این نقش آقای متین دفتری زمانی بود که «سازمان نگهبان حقوق بشر» رهبری مجاهدین را متهم کرده بود که اعضای جداشده خود را زندانی کرده است و تقاضا داشت که از بازداشتگاه‌های مجاهدین در عراق دیدن کند. آقای متین دفتری با نوشتن نامه‌ای به «سازمان نگهبان حقوق بشر» رفتار خصمانه مجاهدین را با اعضای ناراضی و دگراندیش تکذیب کرد و مدعی شد که اتهامات وارده به سازمان مجاهدین بی‌اساس است. این امر که چرا آقای متین دفتری هیجده سال وقت می‌خواست تا قانع شده که «شورای ملی مقاومت» نقشی خارج از اراده رهبری مجاهدین ندارد، سؤالی است که فقط شخص ایشان می‌تواند بدان پاسخ گوید.^۳

واقعیت این است که عکس‌العمل آقای هدایت‌الله متین دفتری و جبهه دموکراتیک ملی، در مقابل عملکرد رجوی سکوت محض بوده است. اینها در واقع «دکوری در تجمع شورای ملی مقاومت بودند که ۱۶ سال آزرگار به صورت ابزاری در خدمت سیاست‌های به غایت ارتجاعی و ضدملی آن تشکیلات قرار داشتند.» گوینده این اظهارات، سنگ محکی نیز برای تشخیص صداقت متین دفتری و جبران گذشته‌ها به میان می‌اندازد و می‌گوید:

۱. همان - پیشین؛ اقتباس از متن گفتگوی دکتر علی‌اصغر حاج سید جوادی: ص ۱۳. نیز فراز و فرود...: صص ۶۷-۶۹.

۲. منظور استفاده از وجهه متین دفتری به عنوان نوه دکتر مصدق است.

۳. همان، ش ۴، دی ماه ۱۳۷۷، گفتگوی دکتر منصور فرهنگ: ص ۴۵. نیز فراز و فرود...: صص ۱۶۸ - ۱۶۹.

اگر آقای متین دفتری علاقه دارد که گفتار ایشان در رابطه با «دفاع از آزادی بیان و کثرت‌گرایی و مخالفت با هرگونه شایعه‌پراکنی، برجسب زنی، افترا و هتک حرمت» جدی تلقی شود، قبل از هر چیز ضروری است تا مواضع خود را در رابطه با سیاست و عملکرد شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق و مسعود رجوی، در مدت ۱۶ سال همکاری، روشن نماید و از روابط پشت پرده با صدام حسین و حزب بعث عراق، سازمان‌های جاسوسی کشورهای غرب و کشورهای عربی و سناتورهای استعمارگر آمریکا پرده بردارد و در رابطه با حبس و شکنجه آن عده از مجاهدین، که به خاطر مخالفت با سیاست‌ها و عملکردهای شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق در زندان‌های دولت - به اصطلاح - مقاومت مریم خانم قجر عضدانلو در عراق گرفتارند، سکوت رابشکنند.^۱

شاید گویاترین تمثیلی که می‌تواند خروج یا اخراج متین دفتری را از شورا تبیین کند، مطلبی است که یکی از هم‌جبهه‌ای‌های سابق وی بیان کرده است:

در زبان آلمانی ضرب‌المثلی است مبنی بر اینکه «موش‌ها از کشتی‌ای که دارد غرق می‌شود، می‌گریزند»، جدایی متین دفتری از «شورای ملی مقاومت» نیز جز این نیست. استعفای ایشان شبیه به کار آدمی است که پس از سوار شدن در اتوبوس و به ایستگاه آخر رسیدن و پیاده شدن اتوبوس باز هم به راه خود ادامه خواهد داد؛ اما پس از مدتی انتظار، پی می‌برد که به آخر خط رسیده است و باید از آن پیاده شود!^۲

۱. همان، پیشین، اقتباس از گفتگو با دکتر منصور بیات‌زاده: ص ۱۲؛ با تلخیص.

۲. همان، گفتگو با مهندس منوچهر صالحی: ص ۴۳. نیز فراز و فرود...: ص ۱۶۳.



حسین تقایی، احمد کریمی، هدایت‌الله متین‌دقتری در جلسه کنگره حزب سوسیالیست‌ها

□ جدایی معترضان شهره بدیعی

در پی «اخراج» دکتر متین دفتری و جبهه دموکراتیک از شورای ملی مقاومت، شهره بدیعی از دیگر عناصر غیرمجاهد شورا (همسر نوری دهکردی یکی از مقتولان رستوران میکونوس) که در میان اپوزیسیون خارج از کشور شهرت و اعتبار ویژه‌ای داشت، با انتشار متنی با عنوان «استعفانامه» کناره‌گیری خود را از شورای ملی مقاومت - با دستاویز اعتراض به اهانت به متین دفتری در اطلاعیه شورا - اعلام نمود. در پی انتشار این متن، نشریه سازمان - به تفصیل - وی را تخطئه کرد. ادبیات حمله به شهره بدیعی، کماکان همان گفتمان انگ‌زنی و وصل مخالفان رجوی به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است. در قسمتی از پاسخگویی مجاهدین خلق آمده است:

- ۱- استعفانامه وی به رادیو ۲۴ که ارگان مورد استفاده وزارت اطلاعات است، میکس گردیده است.
- ۲- این امر توسط پاسداران سیاسی و نظامی دامن زده می‌شود.^۱
- ۳- وی از سه سال پیش به عضویت شورا پذیرفته شده بود و از مهرماه ۷۶ عضویتش در شورا در حالت تعلیق و موکول به تصمیم‌گیری در اجلاس آتی شورا بوده است...^۲

۱. اشاره و تصریح به افرادی همچون مهدی خانبابا تهرانی است که سازمان به آنها لقب «پاسداران سیاسی نظام» داده است. تهرانی در پاسخ حسین مهری مصاحبه‌گر رادیو ۲۴ ساعته که نظر وی را درباره استعفای شهره بدیعی استفسار می‌کند و وی را «همسر یکی از رهبران حزب دموکرات کردستان» معرفی می‌نماید، اظهار می‌دارد: «... این گونه برخورد سیاسی - یعنی هتاکی - کار روزمره مجاهدین است. آقای بی‌نام دکتر راستین این فحاشی‌ها را جمع‌آوری و منتشر کرده است. سهم من هم در این فحاشی‌ها کم نیست. مثل بنی‌صدر و [حاج] سیدجوادی و دیگران! ... خانم شهره بدیعی نه کرد است و نه عضو حزب دموکرات کردستان! شوهر ایشان هم آقای نوری دهکردی است که نه کرد بوده و نه عضو حزب دموکرات کردستان. نوری دهکردی عضو سازمان ما یعنی شورای متحد چپ بود. ... شهره بدیعی همسر نوری دهکردی دوست نازنین من بود. خود شهره بدیعی هم دوست همسر من است. آنها با هم از ایران فرار کرده‌اند. خانم بدیعی پس از جریان دادگاه میکونوس عضو شورای ملی مقاومت شده.» (چهره‌ها و گفته‌ها...: ص ۱۲۵؛ گفتگوی ۱۱ اوت ۱۹۹۸).

۲. نشریه مجاهد، ش ۴۰۲، ۱۳۷۷/۵/۲۹.